

پژوهش‌های حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۲۸

هزار و سیصد و نود و چهار - نیمسال دوم

- استقلال یا عدم استقلال مسجد: تحلیلی بر طرح «حمایت از مدیریت، احداث، تجهیز و
نوسازی مساجد و نمازخانه‌های کشور»
۵ بابک درویشی - کیوان صداقتی
- بومی‌ها و جوامع محلی در حقوق بین‌الملل حفاظت از جانوران وحشی
۱۷ ژانت الیزابت بلیک - فاطمه رضائی‌پور
- تحلیل تطبیقی مسؤلیت مدنی مراقب نسبت به اعمال اشخاص نیازمند مراقبت در حقوق
ایران و انگلیس
۶۵ علیرضا یزدانیان - الناز قدسی
- مشروعیت عفو در حقوق بین‌الملل
۸۵ مهین سبحانی
- جرایم بین‌المللی ارتكابی داعش در پرتو عدالت کیفری
۱۰۷ آرمین طلعت
- معاهدات در گذر زمان در رویه قضایی: ارزیابی رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده
اختلاف بین کاستاریکا و نیکاراگوئه
۱۳۳ فرزانه سیف‌زاده
- معیارهای تحدید حقوق و آزادی‌های بشر
۱۷۱ یلدا خسروی
- نقش اتحادیه ملل امریکای جنوبی در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای
۱۹۹ علیرضا رنجبر
- نام و علامت تجاری؛ فرایند ثبت و حقوق ناشی از آن
۲۲۱ عیسی رجیبی
- جایگاه ممتاز بزه‌دیده در دادرسی کیفری اسپانیا
۲۴۳ محمدعلی مهدوی ثابت - احسان عباس‌زاده امیرآبادی





http://jlr.sdil.ac.ir/article_32042.html

جرایم بین‌المللی ارتكابی داعش در پرتو عدالت کیفری

آرمین طلعت*

چکیده:

دولت اسلامی شام و عراق مرتکب جرایم بسیاری در سوریه و عراق شده است. برخی از نهادها و کمیسیون‌های حقوق بشری اظهار داشته‌اند که این گروه تروریستی با اقدامات غیرانسانی و شنیع خود چون قتل، نابودسازی، به بردگی گرفتن، انتقال یا اخراج اجباری، شکنجه، نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو و سایر قواعد مربوط به حقوق بین‌الملل بشردوستانه و نابود کردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی، مرتکب جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی و نسل‌زدایی شده است. این جرایم مصداق بارز جرایم بین‌المللی هستند. مبارزه با مرتکبان و عاملان چنین جنایاتی مستلزم عدالت کیفری است که هدف آن تعقیب و مجازات مجرمان است. با توجه به جرایم بین‌المللی ارتكابی داعش، محاکم قضایی داخلی و بین‌المللی صالح به رسیدگی هستند (از یک سو، دادگاه‌های داخلی با اتکا بر اصل صلاحیت جهانی می‌توانند مرتکبان و مسئولان جرایم مزبور را مورد تعقیب و مجازات قرار دهند و از سوی دیگر، با حصول شرایطی دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند صلاحیت خود را بر این جرایم اعمال نماید). از این رو مقاله پیش رو، پس از تشریح جنایات ارتكابی داعش، به ظرفیت‌های موجود در نظام قضایی حقوق بین‌الملل برای مبارزه با این گروه تروریستی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها:

جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی، نسل‌زدایی، عدالت کیفری، دادگاه‌های داخلی، دیوان کیفری بین‌المللی.

مقدمه

دولت اسلامی شام و عراق که اخیراً خود را خلافت اسلامی یا دولت اسلامی نامیده است،^۱ با اعمال سیاست افراط‌گرایی مبتنی بر تفکر وهابیت، اندیشه حکمرانی بر نیمی از جهان را دارد. این گروه تروریستی، از آغاز شکل‌گیری خود تا اینک به هیچ‌وجه التزام خود را به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نشان نداده و با اعمالی سبوعانه و غیرانسانی همچون حمله گسترده به غیرنظامیان، سلب خودسرانه حق حیات، جابه‌جایی یا انتقال اجباری، بندگی، بردگی و خشونت جنسی، تجاوز به زنان، اعدام سربازان و نظامیان که قادر به جنگیدن نبودند و همچنین رزمندگان خارج از میدان رزم، نابودی عامدانه گروه‌های قومی و مذهبی، ناپدیدسازی اجباری و شمار دیگری از جرایم، تمام قواعد بنیادین حقوق بشر را نقض نموده است. ماهیت این جنایات به گونه‌ای است که می‌توان آنها را در زمره جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و جنایت نسل‌زدایی تلقی نمود. گزارش‌های صادره از مناطق تحت کنترل داعش نیز که از طرف نهادهای حقوق بشری و جوامع مدنی جمع‌آوری شده‌اند؛ حاکی از ارتکاب این جنایات است، جنایاتی که مصداق بارز جرایم بین‌المللی هستند.

اگرچه در خصوص جرایم بین‌المللی تعریف مشخص و معینی وجود ندارد که مورد اجماع جهانی باشد، با وجود این، وجه تسمیه جرایم بین‌المللی، برای جرایمی که به دلیل پیامد ویرانگر این جرایم بر جامعه بین‌المللی و به ویژه ماهیت دهشتناک آنها، اصطلاحی مناسب و رواست. براساس حقوق بین‌الملل کسانی که مرتکب این جرایم می‌شوند، دارای مسؤولیت کیفری هستند.^۲ مسؤولیت کیفری افراد در حقوق بین‌الملل از امتزاج عناصر سنتی حقوق بین‌الملل و رویکردهای جدید آن مانند حقوق بشر و حقوق بشردوستانه برآمده است. از زمان‌های قدیم، کسانی که به دزدی دریایی و تجارت برده مشغول بودند، به عنوان مرتکبان جرایم علیه جامعه بین‌المللی تحت تعقیب قرار می‌گرفتند. رسیدگی به این جرایم در محاکم قضایی بین‌المللی و در دادگاه‌های داخلی همه کشورهای صورت می‌پذیرفت. از این‌رو صلاحیت رسیدگی به این جرایم تابع

۱. البته اگرچه این نهاد خود را دولت خوانده است، با وجود این، صرف کنترل بر بخشی از سرزمین و جمعیت آن از طرف یک نهاد وصف دولت بودن را به نهاد مزبور اعطا نمی‌نماید. همچنین، علاوه بر سرزمین و جمعیت، وجود یک حاکمیت در قالب حکومتی مؤثر برای تشکیل یک دولت جدید ضروری می‌نماید. حکومت مؤثری که علاوه بر داشتن ظرفیت برای ایجاد روابط با سایر دولت‌ها، باید همچنین قادر باشد که به تعهدات داخلی و بین‌المللی خویش پای بند باشد. بنابراین، داعش نمی‌تواند وصف دولت را از منظر حقوق بین‌الملل داشته باشد، در نتیجه این نهاد نوظهور یک بازیگر غیردولتی است.

2. Anthony Aust, Handbook of International Law (Cambridge, 2010), 250.

محدودیت‌هایی مانند صلاحیت سرزمینی یا صلاحیت شخصی نمی‌شد.^۱ بنابراین صلاحیت رسیدگی به جرایم مزبور و به ویژه دزدی دریایی به مرور زمان اصلی را در حقوق بین‌الملل بنیان نهاد که به اصل «صلاحیت جهانی»^۲ مشهور شد. جرایم بین‌المللی به دلیل رابطه عمیقی که با کرامت و حیثیت بشر دارند، نباید مورد مصالحه قرار گیرند. ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی هم که به جرایم واقع در صلاحیت دیوان اشاره دارد با این عبارت‌پردازی که «صلاحیت قضایی دیوان محدود به جدی‌ترین جرایمی است که موجب نگرانی کل جامعه بین‌المللی است...»^۳ به اهمیت مبارزه با چنین جرایمی اشاره دارد. بنابراین، عدالت کیفری اقتضا می‌نماید که مرتکبان و مسؤولان این‌گونه جرایم مورد تعقیب و مجازات قرار گیرند. اگرچه جامعه جهانی از فقدان یک مرجع قضایی جهانی رنج می‌برد که صلاحیت رسیدگی به جرایم مربوط به نقض بنیادین حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه را داشته باشد، با وجود این، دادگاه‌های ملی هنوز نخستین و صالح‌ترین مرجع برای رسیدگی به این جرایم هستند. صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی نیز خود گویای این واقعیت است.

صلاحیت اصلی دادگاه‌های ملی برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی به این معنی نیست که همیشه این دادگاه‌ها توانسته‌اند عدالت کیفری را اجرا نمایند. بعضاً دادگاه‌های داخلی برخی کشورها توانایی تعقیب و مجازات مرتکبین جرایم بین‌المللی را ندارند یا متأسفانه به دلایل سیاسی مایل به رسیدگی نیستند. در صورت بروز چنین مواردی است که جامعه جهانی وارد عمل می‌شود، صرف‌نظر از اقدامات غیرحقوقی جامعه جهانی نسبت به کشورهای متخلف - چه به صورت یک‌جانبه و چه به صورت دسته‌جمعی مانند اقدامات سازمان ملل متحد و به ویژه اقدامات مبتنی بر فصل هفتم منشور - ارجاع وضعیت کشورهای غیرعضو دیوان کیفری بین‌المللی از سوی شورای امنیت، ایجاد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه (Ad hoc) و دادگاه‌های کیفری مختلط ملی - بین‌المللی از جمله اقدامات حقوقی جامعه جهانی برای مبارزه با بی‌کیفرمانی ناقضان حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. نوشته حاضر که در دو مبحث نگاشته شده است، در مبحث نخست به جرایم ارتكابی داعش در کشورهای عراق و سوریه خواهد پرداخت و در مبحث دوم، راهکارهای موجود در نظام قضایی حقوق بین‌الملل را به منظور تعقیب و مجازات اعضای گروه داعش برای ارتكاب جرایم بین‌المللی‌شان به عنوان بخشی از سیاست عدالت کیفری مورد تحلیل و بررسی خواهد داد.

1. Malcolm N Shaw, *International law*, 6ed (Cambridge university press, 2011), 397.

2. Universal Jurisdiction.

3. Article 5 (1) of Rome Statute of the International Criminal Court.

مبحث نخست - جنایات ارتكابی داعش

دولت اسلامی عراق و شام موسوم به «داعش» از زمان شروع ناآرامی‌ها و جنگ داخلی در سوریه و عراق، مرتکب جنایات دهشتناکی شده و همچنان نیز به این اعمال سبوعانه خود ادامه می‌دهد. این جنایات به حدی خشونت‌آمیز و ددمشانه هستند که حتی گروه القاعده که یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری و قدرت این گروه بود، در ۲ فوریه ۲۰۱۴ رسماً اعلام نمود که ائتلاف بین القاعده و گروه مزبور خاتمه یافته است.^۱ داعش علاوه بر ارتكاب جنایات علیه گروه‌های مسلح مخالف خود و نیروهای نظامی دولت‌های عراق و سوریه، جنایات بسیاری را نیز مستقیماً علیه غیرنظامیان صورت داده است. به عبارت بهتر، داعش حقوق بنیادین و آزادی‌های اساسی بشری را نقض نموده و می‌نماید. دولت اسلامی عراق و شام که سودای خلافت در سر می‌پروراند با خشونت بی‌رحمانه و غیرانسانی دست به ارتكاب جنایاتی علیه افراد غیرنظامی و نظامی زده است که مصداق بارز جرایم بین‌المللی هستند. بنابراین، در این مبحث جرایم ارتكابی گروه تروریستی داعش را با عنوان جرایم علیه بشریت، جرم نسل‌زدایی و جرایم جنگی مورد مذاقه قرار خواهیم داد.

بند اول - جنایت علیه بشریت

اگرچه واژه جنایت علیه بشریت در سال ۱۹۱۵ از سوی کشورهای فرانسه، انگلستان و روسیه برای اشاره به قتل‌عام ارمنه در ترکیه به کار برده شد، با وجود این، نخستین بار این واژه به عنوان یک جرم در یک سند الزام‌آور بین‌المللی به طور صریح در بند (ج) ماده ۶ منشور نورنبرگ مقرر گردید. این منشور مصادیقی از جنایت علیه بشریت را برشمرده بود که می‌توان به «قتل عمد، نابودی، برده‌سازی، اخراج و سایر اقدامات غیرانسانی ارتكاب یافته علیه هر جمعیت غیرنظامی، پیش از جنگ یا در حین آن یا آزار افراد به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی، در ارتباط با هر جرمی که در صلاحیت محکمه قرار می‌گیرد، خواه نقض حقوق داخلی کشور محل وقوع محسوب شود یا خیر»، اشاره نمود. این واژه همچنین در بند (ج) ماده ۵ منشور توکیو نیز مندرج گشته

1. Start Fact Sheet, *the evolution of the Islamic State of Iraq and the Levant (ISIL): Relationships 2004-2014*, June 2014, 2. Available on http://www.start.umd.edu/pubs/START_EvolutionofISILRelationships_FactSheet_June2014.pdf. (Last Accessed 11/11/2014).

بود؛ ولی کسی در این دادگاه به این جرم محکوم نشد. بنابراین تا قبل از آغاز جنگ جهانی دوم کسی به ارتكاب جرایم علیه بشریت محاکمه و مجازات نشد.^۱ در واقع جرایمی که ما امروزه به عنوان جرایم علیه بشریت می‌شناسیم، اولین بار در تاریخ علم حقوق در منشور نورنبرگ جرم‌انگاری شد.^۲

نقطه عطف در تعریف «جنایت علیه بشریت» را باید اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی قلمداد نمود. دیوان در ماده ۷ به تعریف این جرم پرداخته است که می‌تواند راه‌گشای خوبی برای درک این موضوع باشد که آیا جنایات رخ داده به دست داعش می‌تواند تحت عنوان این جرم قرار بگیرد یا نه؟ مطابق ماده ۷ این اساسنامه جرایم علیه بشریت هر یک از اعمال مشخص شده در بند ۱ ماده ۷ اساسنامه است (قتل، نابودسازی، به بردگی گرفتن، انتقال یا اخراج اجباری، شکنجه و ...) که در قالب حمله‌ای گسترده یا سازمان یافته مستقیماً علیه هر جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله ارتكاب می‌یابند. بنابراین، تشخیص عنصر مادی (قتل، نابودسازی و سایر اعمال مندرج در ماده ۷ علیه یک جمعیت غیرنظامی و عنصر روانی (علم و آگاهی داشتن نسبت به حمله) برای اثبات ارتكاب جرایم علیه بشریت، ضروری می‌نماید.

در ۱۴ نوامبر ۲۰۱۴ کمیسیون مستقل بین‌المللی تحقیق در جمهوری عرب سوریه^۳ گزارشی با عنوان «حکومت وحشت: زندگی تحت سیطره داعش در سوریه»^۴ را منتشر نمود. در این گزارش اشاره شده که داعش علاوه بر اینکه در ماه جولای ۲۰۱۳ غیرنظامیان کرد را از شهر الرقه به شکل اجباری جابه‌جا نمود، بعد از این انتقال اجباری داعش از همه کردها خواست که تل عبید را ترک کنند که کشته خواهند شد، پیرو این اقدام داعش، هزاران غیرنظامی، از جمله کردها، ترکمن‌ها و اعراب در ۲۱ جولای از خانه و کاشانه‌شان متواری شدند. همچنین در گزارش مزبور آمده است که تروریست‌های داعش به صورت نظام‌مندی اموال و دارایی کردها را به یغما برده‌اند و حتی در برخی از موارد، داعش اعراب سنی نواحی قلمون، دیرزور و الرقه را برای اسکان در مناطق رها شده کردها گسیل داده است.^۵ این

۱. ورله گرهارد، «جنایات علیه بشریت در حقوق بین‌الملل معاصر»، ترجمه امیرساعد وکیل، مجله حقوقی بین‌المللی ۳۹ (۱۳۸۷)، ۶۰-۶۱.

۲. ریچارد گلدستن، «ارزیابی کار دیوان‌های سازمان ملل متحد برای رسیدگی به جرایم جنگی در یوگسلاوی سابق و رواندا»، ترجمه رضا پاکدامن، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۵۳ و ۱۵۴ (۱۳۷۹)، ۱۳۸.

۳. این کمیسیون در ۲۲ اگوست ۲۰۱۱ با قطعنامه S-17/1 شورای حقوق بشر با هدف تحقیق در خصوص نقض‌های ادعایی حقوق بشر در جمهوری عرب سوریه ایجاد گردید.

4. Rule of Terror: Living under ISIS in Syria.

۵. این اقدام داعش در واقع نوعی «ملت‌سازی» است. «اصطلاح «ملت‌سازی» از دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی رواج یافت و از طرف بزرگان دانشگاهی امریکا چون کارل دوئیچ، چارلز تیلی و رینهارد بندیکس مطرح شد. این نظریه ابتدا به منظور توصیف فرایندهای انسجام و پیوستگی ملی که منجر به استقرار حکومت ملت‌های مدرنی به کار می‌رفت که از اشکال متنوع سنتی حکومت‌هایی مثل حکومت‌های فتودالی و پادشاهی، کلیسایی و امپراتوری‌ها متمایز است. «ملت‌سازی»

سیاست داعش در نواحی تل عرب و تل حصل نیز صورت گرفت. همچنین داعش با حملات گسترده به حسینیه‌ها و خانه‌های شیعیان در الرقه موجب بی‌خانمانی و کوچ اجباری آنها شد. این اقدامات گسترده و نظام‌مند داعش، علیه جمعیت غیرنظامی کرد و سایر اقوام منجر به انتقال اجباری آنها شده که خود یکی از مصادیق جرایم علیه بشریت است. داعش همچنین اشخاص غیرنظامی را در مقیاس گسترده شکنجه داده و محدودیت‌های سخت بر حقوق اساسی و آزادی‌های آنها تحمیل نموده است. تحمیل این اقدامات و اعمال سختگیرانه در پوشش احکام دینی بخشی از جرایم علیه بشریت را تشکیل می‌دهد.^۱ در نتیجه این گزارش آمده است که داعش مرتکب قتل و رفتار غیرانسانی، برده‌داری، تجاوز، بردگی و خشونت جنسی، جابه‌جایی اجباری، ناپدیدسازی اجباری و شکنجه شده است. این اعمال به عنوان بخشی از حمله نظام‌مند و گسترده علیه جمعیت غیرنظامی در مناطق حلب، الرقه، الحسکه و دیرالزور بوده است.^۲

کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان نیز بر این اعتقاد است که داعش و گروه‌های وابسته به آن با نقض نظام‌مند و گسترده حقوق بین‌الملل بشر، مرتکب جرایم علیه بشریت شده‌اند.^۳ همچنین شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۱۵ اگوست ۲۰۱۴ در قطعنامه ۲۱۷۰ خود راجع به «تهدیدات ناشی از اعمال تروریستی برای صلح و امنیت بین‌المللی» یادآوری نمود که حمله‌های نظام‌مند و گسترده علیه جمعیت نظامی به دلایل مذهبی، قومی و سیاسی منجر به جرایم علیه بشریت می‌شوند و بر مسؤولیت‌پذیری داعش و جبهه النصره برای ارتکاب چنین جرایمی تأکید نمود.^۴ داعش به منظور ترویج وحشت در مناطق تحت سیطره خود همواره جمعیت‌های غیرنظامی را آماج حملات گسترده و نظام‌مند قرار داده است. غنیمت جنگی قلمداد نمودن زنان و کودکان برای فروش آنها به منظور بردگی جنسی در مناطق تحت کنترلش، انتقال

به معنای ایجاد و بازسازی همه پیوندهای فرهنگی، تاریخی و اجتماعی است که گروهی از مردم را در چارچوب یک ملت به هم مرتبط می‌سازد. در روند ملت‌سازی، می‌توان سه عنصر اساسی یعنی طرح ایدئولوژی انسجام‌بخش، یکپارچه کردن جامعه و ایجاد تشکیلات حکومتی کارآمد را مد نظر قرار داد.» برای اطلاعات بیشتر نک: پیروز مجتهدزاده، زهرا احمدی پور و طهمورث حیدری موصول، «تبیین ادعاهای امارات متحده عربی نسبت به جزایر سه‌گانه ایرانی از سال ۱۹۹۲ میلادی»، فصلنامه ژئوپلیتیک اول (۱۳۹۱)، ۴۲-۸۱.

1. Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Syrian Arab Republic, "Rule of Terror: Living under ISIS in Syria", 14 November 2014, 26-30.
2. Ibid, 77.
3. UNHCR, *UNHCR Position on Returns to Iraq*, October 2014, para. 2. Available at: <http://www.refworld.org/pdfid/544e4b3c4.pdf> (Last Accessed 3/12/2014).
4. UN DOC, S/RES/2170, 3.

اجباری افراد، شکنجه، تجاوز جنسی، حاملگی اجباری و قتل عام افراد غیرنظامی به صورت نظام‌مند، فقط قسمتی از جنایت علیه بشریت است که این گروه تروریستی انجام داده است.

بند دوم - جرم نسل‌زدایی

اصطلاح نسل‌زدایی را اول بار پروفسور رافائل لم‌کین^۱ در سال ۱۹۳۳ مطرح نمود. هدف از طرح چنین اصطلاحی بیان اعمالی بود که به قصد نابودی یک گروه نژادی، مذهبی یا اجتماعی صورت می‌پذیرفت. پروفسور لم‌کین اصرار داشت که این اعمال و اقدامات به عنوان یک جنایت در قلمرو حقوق بین‌الملل شناخته شود.^۲ اگرچه جرم نسل‌زدایی به عنوان جنایت بین‌المللی نخستین بار به هنگام تدوین اساسنامه دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ مطرح شد، با وجود این، این جرم زیر عنوان جنایت علیه بشریت قرار گرفته بود و به عنوان جرم مستقلی در این دادگاه شناسایی نشد؛ ولی در همین دادگاه بود که واژه نسل‌زدایی به صراحت در یک سند بین‌المللی به کار رفت. این سند، کیفرخواست ۱۸ اکتبر ۱۹۴۵ علیه جنایتکاران آلمانی در دادگاه نورنبرگ بود.^۳ پیرو طرح این اصطلاح و مباحث پیرامون آن، سازمان ملل متحد در ۹ دسامبر ۱۹۴۸ کنوانسیون جلوگیری و سرکوب جنایت نسل‌زدایی را به تصویب رساند. سپس این جنایت در ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز گنجانده شد که مفاد آن همان محتوای ماده ۲ و ۳ کنوانسیون جلوگیری و سرکوب جنایت نسل‌زدایی است.^۴

مطابق ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی «منظور از جنایات نسل‌زدایی یکی از اعمال مشروح زیر است که به قصد نابود کردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی ارتکاب می‌یابد:

- الف - قتل اعضای گروه؛
- ب - ایراد آسیب شدید به تمامیت جسمی یا روحی اعضای گروه؛
- ج - قراردادن عمدی گروه در شرایط زیستی نامناسب که منجر به نابودی جسمی کامل یا بخشی از آن گروه شود؛
- د - اقداماتی به منظور جلوگیری از تولد در گروه؛

1. Raphael Lemkin.

۲. ابراهیم بیگزاده، «بررسی جنایت نسل‌کشی و جنایات بر ضد بشریت»، مجله تحقیقات حقوقی ۲۱ و ۲۲ (۱۳۷۶-۱۳۷۷)، ۷۳.

۳. محمدعلی اردبیلی، «کشتار جمعی»، مجله حقوقی ۱۱ (۱۳۶۸)، ۴۱.

۴. بیگزاده، پیشین، ۷۴.

هـ - انتقال اجباری اطفال گروه به گروه دیگر.

با توجه به تعریف مطابق ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، جرم نسل‌زدایی با قصد نابود کردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی محقق می‌شود. اگرچه نابودی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی به عنوان عامل مادی موجب عینیت یافتن جرم نسل‌زدایی می‌شود، با وجود این، بی‌شک اهمیت عنصر روانی این جرم که همان «قصد» نابودی است، اهمیتی دو چندان نسبت به عنصر مادی دارد. زیرا صرف نابودی تمام یا بخشی از یک گروه بدون هیچ‌گونه قصدی را نمی‌توان تحت عنوان جرم نسل‌زدایی طبقه‌بندی نمود. از این‌رو، نابود کردن حتی یک نفر از یک گروه به دلایل مذهبی، قومی، نژادی، مذهبی و حتی سیاسی موجب ارتکاب جنایت نسل‌زدایی می‌شود.

در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۴ معاون دبیرکل در امور راجع به حقوق بشر، ایوان سیمونیچ^۱ پس از مأموریت طولانی‌اش در عراق اظهار داشت: «من به شدت نگران نتایج دردآور حقوق بشر بر غیرنظامیان هستم که از اعمال دولت اسلامی عراق و شام و سایر گروه‌های مسلح وابسته به آن ناشی می‌شود». معاون دبیرکل با بیان اینکه داعش و گروه‌های مسلح وابسته به آن با ارتکاب نقض گسترده و نظام‌مند حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه مرتکب جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی شده‌اند، بیان داشت: «سببیت و قساوت نظام‌مند و عمدی که داعش علیه جامعه یزیدی‌ها مرتکب شده است، ممکن است به اقدامی برای نسل‌زدایی منجر شود». وی همچنین ادامه داد: «میان تعداد بی‌شمار قربانیان، من با دختر ۲۰ ساله‌ای که از بردگی جنسی فرار کرده بود، با پدری که چهار پسرش به دلیل روی نیاوردن به اسلام قتل‌عام شده بودند و پسری که از یک اعدام گسترده زنده مانده بود و ... ملاقات نمودم». سیمونیچ در ادامه افزود: «داعش هیچ گزینه‌ای به غیر از اسلام آوردن برای یزیدی‌ها و این افراد نگذاشته بود». ^۲ سخنان سیمونیچ به وضوح نشانگر حملات آگاهانه و عمدی اعضای داعش به کردهای یزیدی به منظور پاک‌سازی قومی است و این‌گونه حملات خود دال بر وقوع جنایت نسل‌زدایی به دست داعش است. همچنین در گزارش سازمان عفو بین‌الملل به این امر اشاره شده است که گروه تروریستی داعش در مقیاسی تاریخی مرتکب پاک‌سازی قومی در

1. Ivan Šimonović.

2. UN Assistant Secretary- General for Human Rights, "Tragedy of even greater proportions in Iraq should be urgently prevented", 20 October 2014. Available at: <http://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=15189&LangID=E>. (Last Accessed 29/11/2014).

شمال عراق شده است. در این گزارش اشاره شده که داعش به طور نظام‌مند اجتماعات و گروه‌های غیرعرب و مسلمانان غیر سنی را هدف حملات خود قرار داده است و دست به کشتار و ربودن هزاران تن از این افراد زده که بیش از ۸۳۰ هزار نفر از آنها مجبور شده‌اند محل زندگی‌شان را ترک نمایند. در گزارش به قتل عام اقلیت‌های مذهبی و قومی مانند مسیحیان آشوری، ترکمن‌های شیعه، شیعیان شایک، یزیدی‌های کاکلی و ماندانی‌های صائبی نیز اشاره شده است که برای مدت‌های مدیدی در استان نینوا در کنار هم زندگی می‌کردند.^۱

در این گزارش اشاره شده که داعش در زمان تصرف شهر سنچار (۳ آگوست ۲۰۱۴) صدها نفر از اقلیت‌های قومی را در این نواحی قتل عام کرد و بیش از ۱۰۰۰ زن و کودک را ربود و ۲۰۰ هزار از یزیدی‌ها (تقریباً تمام جمعیت آنها) و همچنین تعدادی از مسیحیان را مجبور به فرار به سوی کوه‌ها برای رسیدن به حکومت خودمختار کردستان نمود. در پی این فرار تمامی اشخاص متواری در داخل کوه‌های سنچار در محاصره تروریست‌های داعشی گرفتار شدند و هیچ‌گونه دسترسی به آب و غذا نداشتند، تا اینکه واحد مدافع خلع^۲ وابسته به مبارزان جدایی طلب کردهای سوریه توانست به کمک این غیرنظامیان بشتابد و کانالی امن برای رهایی این افراد به مناطق امن ایجاد نماید. به دنبال این فاجعه انسانی چندین نفر به خاطر نبود آب و غذا و تسهیلات پزشکی و درمانی جان باختند.^۳ در گزارش دیگری که مأموریت مساعدت ملل متحد برای عراق^۴ منتشر نمود، اشاره شده که داعش و گروه‌های وابسته به آن اعضای جوامع متفاوت مذهبی و قومی از جمله ترکمن‌ها، شایکی‌ها، مسیحیان، یزیدیان، صائبیان، کاکلی‌ها، کردهای فیلی، شیعیان عرب و سایرین را عامدانه به منظور ریشه‌کنی و پاک‌سازی آنها از مناطق تحت کنترل‌شان مورد حمله قرار داده‌اند.^۵

1. Amnesty International, *Ethnic Cleansing on a Historic Scale: Islamic State's Systematic in Northern Iraq* (London, 2014), 4.

2. Peoples Protection Units (known by its Kurdish acronym, YPG).

3. Ibid, 23.

۴. مأموریت مساعدت ملل متحد برای عراق، یک مأموریت سیاسی است که در سال ۲۰۰۳ براساس قطعنامه شماره ۱۵۰۰ شورای امنیت با درخواست دولت عراق تأسیس شد

5. United Nations Assistance Mission for Iraq (UNAMI) and the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, "Report on the Protection of Civilians in Armed Conflict in Iraq: 6 July – 10 September 2014", summery I. Available at: http://www.ohchr.org/Documents/Countries/IQ/UNAMI_OHCHR_POC_Report_FINAL_6July_10September2014.pdf. (Last Accessed 2/11/2014).

تحقیقات سازمان عفو بین‌الملل در خصوص جابه‌جایی اجباری اقلیت‌های قومی و مذهبی، بخصوص آنهایی که تاریخ دیرینه‌ای دارند نشان می‌دهد که دولت اسلامی عراق و شام در نواحی تحت کنترلش در نواحی شمال عراق دست به ارتکاب نسل‌زدایی زده است. اگرچه جابه‌جایی اجباری در شق (ت) بند ۲ ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی زیر عنوان جرایم علیه بشریت ذکر شده و آن را مصداق جرایم علیه بشریت قلمداد نموده است. با این وجود، رویه قضایی در این مورد تفسیری دیگر نیز از جابه‌جایی اجباری داشته است. دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا در قضیه «اکائیسو» اخراج نظام‌مند گروه‌های قربانی را از طرف مرتکبان مصداق «قراردادن عمدی یک گروه در معرض شرایط زندگی نامناسبی که منتهی به نابودی فیزیکی یا بخشی از گروه شود» تلقی نمود و اقدام مزبور را جرم نسل‌زدایی قلمداد کرد. دادستان دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق نیز از جمله اتهاماتی است که در متن کیفرخواست علیه رادوان کارادزیچ و راتکو ملادیچ مطرح نمود، اخراج صدها هزار نفر از مسلمانان بوسنیایی در خلال سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ و اقدام به پاک‌سازی قومی در مناطق شرقی بوسنی، کراچینا و صرب‌نیستا بود. دادستان در این کیفرخواست اقدامات مذکور را مصداق جرم نسل‌زدایی دانست. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بوسنی علیه صربستان اتهام نسل‌زدایی را رد نمود. دیوان اعتقاد داشت که اگرچه مدارکی دال بر اخراج و انتقال اعضای گروه را دارد، ولی مدارک ارائه شده نتوانسته ثابت نماید که این اخراج همراه با نابودی کامل یا جزیی گروه بوده است.^۱

همان‌طور که اشاره شد، در واقع برای احراز جرم نسل‌زدایی علاوه بر عنصر مادی جرم که مصادیق آن هم در کنوانسیون منع نسل‌زدایی ۱۹۴۸ و هم اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ذکر شده، عنصر روانی یعنی همان «قصد نابودکردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی» نیز ضروری می‌نماید. با وجود این، قتل‌عام و نابودی نظام‌مند یک گروه آن هم به دلایل مذهبی، قومی و نژادی خود می‌تواند عاملی دال بر قصد و نیت برای ارتکاب جرم نسل‌زدایی باشد. داعش به هنگام حمله به شهر سنجان، با تکفیری و شیطان‌پرست قلمدادکردن یزیدی‌ها شروع به قتل‌عام عمدی

۱. ستار عزیز، «عناصر جنایت ژنوسید در رأی ۲۶ فوریه ۲۰۰۷ دیوان بین‌المللی دادگستری و رویه دادگاه‌های ویژه بین‌المللی کیفری»، مجله حقوقی ۳۶ (۱۳۸۶)، ۱۹-۲۰.

و هدفمند آنها نمود. حتی صدها هزار نفر هم که توانسته بودند از دست این گروه به کوه‌های اطراف سنجار فرار نمایند به مدت یک هفته بدون آب و غذا در محاصره داعش بودند. این گروه تروریستی اجازه کمک‌رسانی و فرار این افراد را به مناطق امن نمی‌داد که خود این اقدام یکی از مصادیق نسل‌زدایی یعنی «قراردادن عمدی گروه در شرایط زیستی نامناسب است که منجر به نابودی جسمی کامل یا بخشی از آن گروه شود.» نکته درخور توجه آن است که بررسی جرایم ارتكابی به دست داعش به ویژه جرم نسل‌زدایی در مناطق تحت کنترلش از طرف هیأت‌های حقیقت‌یاب یا سایر ارگان‌های حقوق بشری و جوامع مدنی غیرممکن است. چه بسا بعدها با بررسی‌های بیشتر، ادعای نسل‌زدایی گروه‌های قومی و مذهبی از طرف داعش به واقعیت تلخ جنایت نسل‌زدایی بدل شود.

بند سوم - جرایم جنگی

جرایم جنگی به طور کلی نتیجه نقض شدید قواعد عرفی و معاهده‌ای حقوق بین‌الملل بشردوستانه یا به عبارت دیگر قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه هستند. تدوین مقرراتی دال بر مسؤلیت افراد برای جرایم جنگی تاریخ طولانی دارد، طبق بند (ب) ماده ۶ منشور نورنبرگ، این محکمه صلاحیت رسیدگی به جرایم جنگی را داشت.^۱ دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و دادگاه کیفری بین‌الملل برای رواندا نیز در اساسنامه‌شان صلاحیت رسیدگی به برخی جرایم جنگی با توجه به ماهیت درگیری‌های مسلحانه رخ داده؛ در این دو کشور (یوگسلاوی بین‌المللی، رواندا غیر بین‌المللی) را دارند، دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق صلاحیت رسیدگی به جرایم مربوط به نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ (ماده ۲) و تخطی از قوانین و عرف جنگ (ماده ۳) را دارد. دادگاه کیفری بین‌الملل برای رواندا هم در ماده ۴ اساسنامه‌اش فقط به برخی از جرایم جنگی یعنی نقض‌های مربوط به ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو اشاره دارد.^۲

تصویب اساسنامه روم در سال ۱۹۹۸، نقطه عطف در تاریخ جرم‌انگاری بین‌المللی جرایم جنگی به شمار می‌آید. اساسنامه‌ای که مؤسس دیوان کیفری بین‌المللی مستقل برای

1. Malcolm N Shaw, *Op cit*, 433.

۲. میرمحمد صادقی، «اساسنامه محاکم یوگسلاوی سابق و رواندا در یک نگاه»، ماهنامه دادرسی هفتم (۱۳۷۷)، ۲۰.

رسیدگی به جرایم بین‌المللی بود. اساسنامهٔ روم در مادهٔ ۸ به طور مفصل به شرح جرایم جنگی پرداخته است. جنایات جنگی مندرج در این اساسنامه به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شوند. مادهٔ ۸ اساسنامهٔ مذکور، جرایم جنگی را این‌چنین بیان می‌کند:

۱. نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۲ آگوست ۱۹۴۹؛

۲. دیگر نقض‌های جدی قوانین و عرف‌های قابل اعمال بر مخاصمات مسلحانهٔ بین‌المللی، در چارچوب تثبیت شدهٔ حقوق بین‌الملل؛

۳. تخلفات جدی از مادهٔ ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانهٔ ژنو در مخاصمات مسلحانهٔ غیر بین‌المللی؛

۴. دیگر نقض‌های جدی قوانین و عرف‌های قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانهٔ فاقد خصیصهٔ بین‌المللی در چارچوب تثبیت شدهٔ حقوق بین‌الملل.

اساسنامهٔ دیوان کیفری بین‌المللی، در زیر هر یک از عنوان‌های مذکور در بالا، فهرست جامعی از مصادیق جنایات جنگی را ارائه می‌دهد. برخی از این نوع جرایم عبارت‌اند از: قتل عمدی، شکنجه، تخریب اموال و زیرساخت‌هایی که انهدام آنها مستلزم یک ضرورت نظامی نباشد، اجبار اسرای جنگی به خدمت در نیروهای نظامی دشمن، انتقال، اخراج و بازداشت غیرقانونی، گروگان‌گیری و ... این جرایم، فقط برخی از جرایمی هستند که مصداق جرایم جنگی قلمداد می‌شوند.

براساس حقوق بین‌الملل، در درگیری‌هایی مانند جنگ داخلی سوریه و عراق، علاوه بر دولت‌ها، گروه‌های مسلحی که تحت یک فرماندهی مسؤول هستند و آن‌چنان بر بخشی از سرزمین یک دولت کنترل دارند که آنها را قادر به انجام عملیات نظامی مداوم و منسجم می‌نماید^۱ همچنین آنها ملزم به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز هستند. پُر واضح است که در صورت نقض چنین قواعدی، ناقضان آن قواعد متهم به جنایت جنگی شناخته خواهند شد.

داعش از همان آغاز درگیری‌ها نظامی در عراق و سوریه، به‌هیچ‌یک از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه پای‌بند نبوده و در گزارش‌های صادر شده از نهادهای بشری مکرراً به جرایم جنگی این گروه اشاره شده است. در گزارش عفو بین‌الملل در ۱۹ دسامبر ۲۰۱۳ اشاره شده که در بسیاری از نواحی تحت کنترل داعش، جنگجویان این گروه نقض‌های جدی بسیاری را مرتکب شده‌اند، از جمله آدم‌ربایی‌ها، بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه و سایر رفتارهای

۱. مادهٔ ۱ پروتکل دوم به کنوانسیون‌های چهارگانهٔ ژنو متضمن چنین مقرراتی است.

غیرانسانی و کشتارهای غیرقانونی که منجر به جرایم جنگی شده‌اند.^۱ همچنین در گزارشی دیگر از این سازمان آمده که داعش با کشتن عمدی مردمی که در زندان بودند، از جمله غیرنظامیان، سربازان، اعضای گروه‌های شبه‌نظامی، افراد مظنون به خیرچینی و همکاری با دولت، موجب نقض جدی و فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه شده است که خود این اعمال جرم جنگی محسوب می‌شوند. شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی، تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی، گروگان‌گیری، محرمیت خودسرانه از آزادی‌ها و اجبار افراد به عمل نمودن برخلاف مذهب و عقیده‌شان نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند.^۲

کمیسیون مستقل بین‌المللی تحقیق در جمهوری عربی سوریه گزارشی را در ۱۳ آگوست در خصوص نقض‌های ادعایی حقوق بشر گزارشی منتشر نمود. در بخش‌هایی از این گزارش اشاره شده است: «داعش اعدام‌های خود را با قوانین مذهبی توجیه می‌کند. اشخاصی که مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند اظهار داشتند که محبوسان در زندان‌های داعش هیچ‌گونه دسترسی به وکیل ندارند و هیچ‌گونه فرایند ذاتی دادرسی عادلانه برای آنها فراهم نشده است ... زمینه‌های معقولی وجود دارد که داعش مرتکب جرایم جنگی اعدام‌های بدون فرایند دادرسی عادلانه (خودسرانه) شده است.»^۳ این کمیسیون در گزارش ۱۴ نوامبر ۲۰۱۴ خود نیز بیان نمود: «داعش به عنوان یک گروه مسلح که ملتزم به ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و حقوق بین‌الملل عرفی است، تعهداتش را در خصوص غیرنظامیان و اشخاصی که قادر به جنگ نیستند (نظامیان خارج از کارزار) نقض نموده که منجر به جرایم جنگی می‌شود.»^۴ همچنین در جایی دیگر از این گزارش آمده است که فرماندهان نظامی داعش در نواحی تحت کنترل خود با حملهٔ عامدانه به رزمندگان خارج از کارزار مرتکب جنایت جنگی شده است.^۵

1. Amnesty International, Rule of Fear: ISIS Abuses in Detention in Northern Syria, 19 December 2013, 1.

2. Amnesty International, *Ethnic Cleansing on a Historic Scale: Islamic State's Systematic in Northern Iraq* (London, 2014), 20.

3. A/HRC/27/60, "Report of the independent international commission of inquiry on the Syrian Arab Republic", (2014), 36.

4. *Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Syrian Arab Republic*, "Rule of Terror: Living under ISIS in Syria", (2014), 74.

5. *Ibid*, 78.

مأموریت مساعدت ملل متحد برای عراق هم در گزارشی که با عنوان «حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه در عراق بین ۶-۱۰ سپتامبر ۲۰۱۴» منتشر نمود، اشاره داشت که داعش با هدف قراردادن عامدانه و بدون تبعیض غیرنظامیان، استفاده از غیرنظامیان به عنوان سپر انسانی، هدف قراردادن عمدی ساختمان‌های غیرنظامی موجب نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه شده است که خود این اقدامات منجر به جرایم جنگی می‌شوند.^۱ ناوی پیلا^۲ کمیساری عالی حقوق بشر ملل متحد در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۴ اعدام صدها سرباز عراقی به دست داعش را محکوم نمود که قادر به جنگ کردن نبودند. براساس گزارش‌های مخابره شده از منابع مختلف، صدها سرباز خارج از کارزار، از جمله سربازان تسلیم یا محاصره شده، سربازان وظیفه، پلیس و سایر کسانی که به نوعی با دولت در ارتباط بوده‌اند، از ۱۰-۱۵ ژوئن اعدام شده‌اند. کمیساری عالی بیان داشت که اگرچه این تعداد کشته تأیید نشده‌اند، با وجود این، روشن است که مجموعه‌ای از اعدام‌های بی‌رحمانه داعش در مناطق تکریت رخ داده است که قطعاً جرایم جنگی محسوب می‌شوند.^۳

اگرچه گروه تروریستی داعش مطابق حقوق عرفی و همچنین مطابق با قواعد کنوانسیون حقوق بین‌الملل مانند پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ملتزم به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، با وجود این، این گروه وقتی به ارزش‌های قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه ننموده و با ارتکاب اعمالی چون قتل عام رزمندگانی که قادر به جنگیدن نیستند یا رزمندگان خارج از کارزار، شکنجه و رفتار غیرانسانی، گروگان‌گیری، حملات عمدی و آگاهانه علیه اهداف غیرنظامی، اعدام‌های خودسرانه و غیره در زمان جنگ، مرتکب جنایت جنگی شده است.

مبحث دوم - عدالت کیفری

عدالت کیفری نظام حقوقی مبتنی بر سه حوزه اجرایی (پلیس)، قضاوت (دادگاه) و تأدیب (زندانبان) است که به طور مستقیم در دستگیری، مجازات و کنترل اشخاصی دخالت می‌نماید که متهم به جرایم کیفری هستند.^۴ به عبارت

1. United Nations Assistance Mission for Iraq (UNAMI) and the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, *Op cit*, 5.
2. Navi Pillay.
3. UN High Commissioner for Human Rights, "Pillay condemns series of "cold-blooded" executions in Iraq", Geneva (16 June 2014). Available at: <http://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=14719&LangID=E>. (Last Accessed 29/11/2014).
4. Larry J. Siegel and John L. Worrall, *Introduction to Criminal Justice* (Thirteenth Edition, Belmont, Wadsworth, 2012), 4.

دیگر، عدالت کیفری سازوکاری حقوقی برای پیشگیری از جرم، تعقیب و مجازات مجرمان است. بنابراین، ایجاد محاکم قضایی کیفری برای رسیدن به عدالت کیفری لازم و ضروری می‌نماید. از این‌رو در مبحث پیش‌رو، راهکارهای موجود برای تعقیب و مجازات نیروهای داعش سابق که مرتکب جرایم بین‌المللی در عراق و سوریه شده‌اند، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بند اول - دادگاه‌های ملی

دادگاه‌های ملی هر کشور نخستین و صالح‌ترین مرجع برای اجرای عدالت کیفری در داخل مرزهای ملی هستند. مطابق با اصل صلاحیت سرزمینی، دادگاه‌های ملی صلاحیت تعقیب، پیگیری و مجازات اشخاصی را دارند که در داخل قلمرو سرزمینی‌شان مرتکب جرم شده باشند. علاوه بر صلاحیت سرزمینی، بعضاً در برخی قوانین داخلی کشورها دیده شده است که دادگاه‌های ملی با اتکا بر اصل صلاحیت شخصی، حتی صلاحیت خود را بر جرایمی توسعه داده‌اند که در خارج از مرزهایشان ارتکاب یافته‌اند.^۱ بنابراین، دادگاه‌های ملی، بر طبق اصول صلاحیت سرزمینی و شخصی، بر جرایمی که در داخل مرزهای یک کشور یا اتباع آن کشور رخ می‌دهند، واجد صلاحیت انحصاری هستند.

برخی جرایم اگرچه در قلمرو سرزمینی دولت‌ها به وقوع می‌پیوندند، با وجود این، ماهیت آنها به گونه‌ای است که وجدان بشریت و جامعه جهانی را متأثر می‌سازند. این جرایم، اصولاً جرایمی هستند که موجب نقض جدی و فاحش حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌شوند، از این‌رو، تمام دولت‌ها در برخورد و مقابله با این جرایم خود را واجد نفع حقوقی می‌دانند و دادگاه‌های داخلی‌شان بر طبق اصل صلاحیت جهانی صالح برای رسیدگی هستند.^۲ این اصل یک دکترین حقوقی است که به دادگاه‌های داخلی اختیار می‌دهد تا برخی از جرایم که چنان ماهیت فجیعی دارند که به مثابه جرایم علیه کل بشریت تلقی می‌شوند، صرفنظر از اینکه کجا جرایم مزبور رخ داده یا صرفنظر از تابعیت مجرم و قربانی، تعقیب و مجازات نمایند.^۳

۱. ماده ۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیانگر صلاحیت شخصی است. طبق این ماده: «... هر یک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافته شود یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود...»

۲. در قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران (ماده ۹)، صلاحیت جهانی دادگاه‌های ایران بر جرایم بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است.

3. Amitis Khojasteh, Questions & Answers on the ICC and Universal Jurisdiction, the American Non-Governmental Organizations Coalition for the International Criminal Court, 28 June 2007. Available at: <http://www.amicc.org/docs/Universal%20Jurisdiction%20Q&A.pdf>. Last Access (12/02/2015).

نکته در خور توجه آن است که در اعمال اصل صلاحیت جهانی از سوی دادگاه‌های ملی، دولت‌ها صرفاً از جانب خود اقدام نمی‌کنند، بلکه به نمایندگی از جامعه بین‌المللی اعمال صلاحیت می‌نمایند.^۱ به عبارت دیگر، در اعمال اصل صلاحیت جهانی، دادگاه‌های ملی، به گونه‌ای در جایگاه حافظ منافع جامعه جهانی قرار می‌گیرند. از این‌رو، متهمان جرایم بین‌المللی در برابر دادگاه‌های ملی همه دولت‌ها قابل تعقیب و مجازات هستند. رویه عملی دولت‌ها نیز بیانگر اراده و خواست آنها در مبارزه با مرتکبین جرایم بین‌المللی است. به طور مثال، در خلال رسیدگی دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا، دادگاه نظامی کشور سوئیس نیز برخی از مرتکبین جنایت در رواندا را تحت تعقیب قرار دادند. در پرونده فلورن نیونتوز که در این کشور اقامت داشت، وی را به کشتار توتسی‌ها و مدارا با هوتوها متهم نمود و در ۲۹ آوریل ۱۹۹۹ دادگاه مزبور او را به خاطر قتل سه نفر و شروع به قتل عمد دیگری و نقض معاهدات بین‌المللی به حبس ابد محکوم کرد که بعدها در مرحله پژوهش‌خواهی به ۱۴ سال تقلیل یافت. پرونده دیگری که در آن دادگاه‌های ملی بنابر اصل صلاحیت جهانی اعمال صلاحیت نموده‌اند، پرونده چهار متهم رواندایی در دادگاه‌های داخلی بلژیک بود که هیأت منصفه این کشور آنها را به دلیل ارتکاب به جنایات بین‌المللی و داخلی متعدد مجرم شناخت و براساس قوانین کیفری بلژیک^۲ آنها را مجازات نمود.^۳

امروزه عقیده بر این است که دادگاه‌های ملی علاوه بر داشتن صلاحیت جهانی بر جرایمی مانند دزدی دریایی، در سایر جرایم بین‌المللی نیز صالح به رسیدگی هستند. اگرچه دیوان دادگستری بین‌المللی در قضیه کنگو علیه بلژیک^۴ فرصت این را داشت که به تبیین حدود و ثغور اصل صلاحیت جهانی بپردازد، ولی دیوان با بیان اینکه نمی‌تواند فراتر از خواسته دعوی^۵ تصمیم‌گیری نماید، اصل مذکور را مطمح نظر قرار نداد.^۶ با وجود این، تقریباً اکثریت

۱. سیدقاسم زمانی و هاله حسینی اکبرنژاد، «اصل صلاحیت جهانی در آینه دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله پژوهش حقوق و سیاست ۲۶ (۱۳۸۸)، ۲۱۵.

۲. البته چند پرونده دیگر در رابطه با جنایات ارتكابی در رواندا در دادگاه‌های داخلی بلژیک مورد رسیدگی قرار گرفتند.

۳. حمید میری و همایون مافی، «بررسی نقش دادگاه‌های داخلی کشور رواندا در محاکمه جنایتکاران نسل‌کشی ۱۹۹۴»، حقوق خصوصی پانزدهم (۱۳۸۸)، ۱۶۱-۱۹۱.

۴. در تاریخ ۱۷ اکتبر ۲۰۰۰، جمهوری دموکراتیک کنگو دادخواستی علیه دولت بلژیک در خصوص «قرار بازداشت وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک کنگو عبدالله پرودیا نامباسی صادره در آوریل ۲۰۰۰» در دفتر دیوان ثبت نمود. دیوان متعاقب این دادخواست در رأی مورخ ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ اظهار داشت که دولت بلژیک در خصوص نقض مصونیت کیفری وزیر امور خارجه کنگو تعهدات بین‌المللی خود را نقض نموده است.

5. Non Ultra Petita.

6. Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), ICJ Report 2002

قضات دیوان (چه موافق با رأی دیوان و چه مخالف با رأی دیوان) بر اعمال اصل صلاحیت جهانی از طرف دادگاه‌های ملی مهر تأیید زدند. قاضی کوروما^۱ تنها قاضی در میان قضات دیوان در این قضیه بود که در نظریه جداگانه خود برخلاف نظریه سایر قضات که بسیار محتاطانه به نظر می‌رسید، بیان داشت: «... علاوه بر دزدی دریایی، صلاحیت جهانی نسبت به برخی جرایم، مانند جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت، از جمله تجارت برده و نسل‌زدایی موجود است.»^۲ بنابراین، امروزه اصل صلاحیت جهانی، دیگر تنها به جرم دزدی دریایی محدود نشده و پاره‌ای دیگر از جرایم را شامل می‌شود که منافع جامعه جهانی را خدشه‌دار می‌کنند.

تعقیب و مجازات مجرمان در داخل مرزهای داخلی از سوی دادگاه‌های ملی، گامی در جهت غایت حقوق است. این دادگاه‌ها علاوه بر اعمال صلاحیت بر جرایمی که در قلمرو حاکمیت ملی ارتکاب می‌یابند، ظرفیت بسیار بالایی هم در زمینه مقابله با بی‌کیفرمانی جرایم بین‌المللی به دلیل فقدان یک مرجع جهانی دارند. صلاحیت تکمیلی دیوان بین‌المللی کیفری نیز خود گویای این واقعیت است. بنابراین، با توجه به جنایات ارتكابی به دست داعش در خاک کشورهای عراق و سوریه، دادگاه‌های این دو کشور، بر مبنای اصل صلاحیت سرزمینی (به واسطه جرایم ارتكابی در داخل قلمرو سرزمینی‌شان)، اصل صلاحیت شخصی (به واسطه حضور افراد تابع هر دو کشور در خاک یکدیگر) و اصل صلاحیت جهانی صالح‌ترین مراجع رسیدگی به شمار می‌آیند. وقتی سخن از صلاحیت دادگاه‌های ملی به ویژه در جرایم بین‌المللی به میان می‌آید، نباید این‌طور فرض نمود که تنها دادگاه‌های ملی کشورهای محل ارتكاب جرایم صالح به رسیدگی هستند، بلکه همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد در مبارزه با جرایم بین‌المللی دادگاه‌های ملی تمام کشورها، می‌توانند با اعمال اصل صلاحیت جهانی، مرتکبین جرایم بین‌المللی را تحت پیگرد و تعقیب قرار دهند.

بند دوم - ایجاد دادگاه اختصاصی^۳

دادگاه‌های کیفری خاص، گامی دیگر در جهت عدالت کیفری و مجازات اشخاصی هستند

(14 February 2002), 212, 41-43.

1. Judge Koroma.

2. Separate Opinion of Judge Koroma on Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), 9.

3. Ad Hoc.

که مرتکب جرایم بین‌المللی شده‌اند. این دادگاه‌ها برای رسیدگی به جرایمی خاص و در مقطع زمانی معین ایجاد می‌شوند. در پایان جنگ سرد و در دهه ۱۹۹۰ میلادی متعاقب نسل‌زدایی و پاک‌سازی قومی در بوسنی و هرزگوین بود که محاکم کیفری بین‌المللی خاص به عنوان سازوکاری برای مقابله با این‌گونه جرایم مورد توجه قرار گرفتند.

در دوران بعد از جنگ سرد، جامعه جهانی که نظاره‌گر رشد سریع خشونت در یوگسلاوی سابق و رواندا در دهه ۱۹۹۰ بود، ایجاد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی خاص، گزینه‌ای مناسب برای آن دسته از سیاستمدارانی جلوه می‌نمود که رغبت آن‌چنانی به مداخلات پُر هزینه بشردوستانه برای جلوگیری یا توقف نسل‌زدایی و پاک‌سازی قومی نداشتند. برخلاف محاکم کیفری خاص بعد از جنگ دوم (نورنبرگ و توکیو) ایجاد محاکم کیفری بین‌المللی خاص بعد از جنگ سرد دیگر بر پایه اراده قدرت اشغالگر نبود.^۱ دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY)^۲ و دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا (ICTR)^۳، از نخستین محاکم کیفری بین‌المللی اختصاصی هستند که شورای امنیت سازمان ملل متحد ایجاد نموده است.

تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا در اوایل دهه ۱۹۹۰، عصر جدیدی را در خصوص مسؤولیت‌پذیری (به ویژه در رابطه با ناقضان حقوق بین‌الملل بشردوستانه) برای جامعه بین‌المللی بنا نهاد. متعاقب ایجاد چنین دادگاه‌هایی بود که جامعه بین‌المللی سرانجام دیوان کیفری بین‌المللی را تأسیس نمود. قواعد و آرای قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی، رویه قضایی در حال ظهور در حقوق کیفری بین‌المللی هستند.^۴ از این‌رو، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی خاص، برای ایفای نقش خود در توسعه و اجرای حقوق کیفری بین‌المللی به شکل گسترده‌ای مورد تحسین و ستایش قرار گرفته‌اند.^۵

1. Christopher K. Lamont, *International Criminal Justice and the Politics of Compliance* (Farnham, Ashgate Publishing Limited, 2010), 5.

۲. این دادگاه براساس قطعنامه شماره ۸۲۷ شورای امنیت در ۲۵ می ۱۹۹۳ ایجاد شد و طبق ماده ۱ اساسنامه‌اش، صلاحیت تعقیب افرادی را دارد که از ۱۹۹۱ مسؤول نقض جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه در سرزمین یوگسلاوی سابق هستند.

۳. این دادگاه با قطعنامه شماره ۹۵۵ شورای امنیت تأسیس شد و مطابق ماده ۱ اساسنامه‌اش، صلاحیت تعقیب افرادی را که مرتکب نقض جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه در رواندا و همچنین افراد تبعه رواندا هستند که در قلمرو دولت‌های همسایه این کشور مرتکب این چنین نقض‌هایی در قلمرو زمانی ما بین اول ژانویه ۱۹۹۴ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴ شده‌اند. UN Doc, S/RES/955 1994, (8 November 1994).

4. Michae P. Scharf and Margaux Day, "The ad hoc International Criminal Tribunals Launching a new era of accountability", *Handbook of International Criminal Law* (New York, Routledge, 2011), 62.

5. Mia Swart, Judicial. Lawmaking at the ad hoc Tribunals: The Creative Use of the Sources of International Law and "Adventurous Interpretation", *ZaöRV* 70 (2010), 460.

یکی از اشکال دادگاه‌های کیفری خاص بین‌المللی خاص، دادگاه‌های مختلط ملی - بین‌المللی^۱ هستند که نمونه متحول‌تری از این دادگاه‌ها به شمار می‌روند. این دادگاه‌ها رویکرد مهمی را در زمینه عدالت انتقالی ارائه می‌نمایند، رویکردی که از طریق آن، جوامع، مسؤولیت‌پذیری و آشتی ملی را برای جرایم و اقدامات شنیع و مهیب فراهم می‌نمایند. دادگاه‌های مختلط، دادگاه‌هایی هستند که هم نهاد آن و هم قواعد آن از ترکیب عناصر ملی و بین‌المللی تشکیل می‌شوند. در این دادگاه‌ها، قضات خارجی همراه با قضات ملی (داخلی) براساس قوانین ملی که مطابق قواعد بین‌المللی هستند، به جرایم رسیدگی می‌نمایند. دادگاه ویژه سیرالئون، تی‌مور شرقی و کوزوو از جمله این دادگاه‌ها هستند.^۲ باید اشاره نمود که تمایل جامعه بین‌المللی برای ایجاد دادگاه‌های مختلط به جای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی خاص، از یک سو به دلیل پُر هزینه‌بودن دادگاه‌های کیفری خاص و از سوی دیگر به دلیل مناسب بودن این‌گونه محاکم برای کشورهای است که جرایم مهیب در آن ارتکاب یافته و در دوره انتقالی بسر می‌برند.

ایجاد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی خاص برای عراق و سوریه در خصوص جرایم ارتكابی در قلمرو این دو کشور به دست داعش، سازوکار دیگری برای به کیفر رساندن اشخاص متهم به ارتکاب جرایم بین‌المللی است. شورای امنیت سازمان ملل متحد، مانند رویه قبلی خود در ایجاد چنین دادگاه‌هایی می‌تواند با تصویب قطعنامه‌ای منطبق با فصل هفتم منشور، چنین دادگاهی را برای عراق و سوریه ایجاد نماید. بنابراین، جامعه جهانی و در رأس آن سازمان ملل متحد، با ایجاد دادگاه کیفری بین‌المللی خاص برای جرایم ارتكابی به دست داعش می‌تواند نقش سازنده‌ای در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و به کیفر رساندن متهمان جرایم بین‌المللی ایفا نماید. دادگاه‌های مختلط اگرچه نقشی برجسته در نایل آمدن به عدالت کیفری بازی نموده‌اند، با وجود این - دستکم در حال حاضر - برای کشورهای عراق و سوریه مناسب به نظر نمی‌رسند. شاید در آینده امکان تشکیل چنین دادگاه‌هایی در خاک سوریه یا عراق فراهم شود. ایجاد دادگاه ویژه همانند دادگاه خاص عراق^۳ در داخل قلمرو هر یک از کشورهای سوریه و عراق نیز ممکن است راهکار دیگر برای مجازات عاملان جرایم بین‌المللی باشد. البته دادگاه‌های خاص بین‌المللی و ویژه تنها زمانی کارایی لازم را خواهند داشت که از مجرای قانونی ایجاد شده باشند.^۴

1. Hybrid Domestic-International Tribunals.

2. Laura A. Dickinson, "The Relationship between Hybrid Courts and International Courts: The Case of Kosovo", *New England Law Review* 37, 1059.

3. Iraqi Special Tribunal.

۴. متعاقب حمله آمریکا و هم‌پیمانانش به عراق و سقوط حکومت صدام حسین و رژیم بعثی وی، در ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۳ شورای

بند سوم - دیوان کیفری بین‌المللی

دیوان کیفری بین‌المللی نخستین مرجع مستقل بین‌المللی است که به مهیب‌ترین جرایم بین‌المللی رسیدگی می‌نماید. تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۸ و متعاقباً لازم‌الاجرا شدن آن در سال ۲۰۰۲ گامی مهم در تاریخ بشریت در جهت عدالت کیفری برای ناقضان حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه بود. مطابق این اساسنامه، دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به جرایم نسل‌زدایی (ماده ۶)، جرایم علیه بشریت (ماده ۷)، جرایم جنگی (ماده ۸) و جرم تجاوز را دارد. البته باید متذکر شد که صلاحیت دیوان با «اصل صلاحیت تکمیلی» محدود گشته است و مطابق ماده ۱۷ اساسنامه، دیوان در صورتی صلاحیت رسیدگی به هر یک از جرایم مزبور در قلمرو کشورهای عضو را دارد که دادگاه‌های داخلی قادر یا مایل به رسیدگی نباشند.^۱

همان‌طور که اشاره شد، دیوان کیفری بین‌المللی، صلاحیت رسیدگی به جرایم بین‌المللی مندرج در ماده ۵ اساسنامه روم را دارد. دیوان در رسیدگی به جرایم مزبور دارای قدرت مطلق نیست و اختیار آن مقید به صلاحیت‌های زیر است:

۱. صلاحیت موضوعی که مقید به جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت، جرم نسل‌زدایی و جرایم جنگی است؛
 ۲. صلاحیت شخصی، دیوان صلاحیت رسیدگی به جرایم مندرج در اساسنامه دارد که از سوی اتباع کشورهای عضو ارتکاب می‌یابد؛
 ۳. صلاحیت سرزمینی، این صلاحیت به دیوان اختیار تعقیب و مجازات متهمان را در داخل قلمرو کشورهای عضو دیوان می‌دهد؛
 ۴. صلاحیت زمانی؛ دیوان صلاحیت رسیدگی به جرایم مندرج در اساسنامه‌اش را تنها وقتی می‌تواند اعمال کند که پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه رخ دهد.^۲
- مطابق ماده ۱۳ اساسنامه، دیوان به روش‌های مختلف می‌تواند بر جرایم مندرج در ماده ۵

حکومتی موقت از سوی نیروهای ائتلاف تشکیل شد. این شورا در ۱۰ دسامبر ۲۰۰۳ (۱۹ آذر ۱۳۸۲) اساسنامه دادگاه ویژه‌ای را به تصویب رساند تا امکان تعقیب و محاکمه صدام و وابستگان رژیم وی فراهم شود. بسیاری از حقوقدانان و حتی وکلای صدام حسین و خود وی اعتبار این دادگاه را به چالش کشیدند و به بیان اینکه شورای حکومتی موقت دست‌نشانده اشغالگران خارجی بوده است، این دادگاه هیچ اعتبار قانونی و حقوقی ندارد. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه نک:

مهدی حدادی، «بررسی مشروعیت دادگاه خاص عراق (دادگاه عالی کیفری عراق)»، فصلنامه اندیشه‌های حقوقی یازدهم (۱۳۸۵)، ۹۹-۱۲۸.

۱. البته براساس بند ب ماده ۱۳ اساسنامه روم، شورای امنیت می‌تواند مطابق فصل هفتم منشور یک وضعیت را که در آن هر یک از جرایم مزبور در صلاحیت دیوان در آن ارتکاب یافته باشد، به دادستان دیوان ارجاع دهد.

2. David Scheffer, "The International Criminal Court", *Handbook of International Criminal Law* (New York, Routledge, 2011), 71-72.

اساسنامه اعمال صلاحیت نماید. کشورهای عضو دیوان، براساس بند (۱) این ماده می‌توانند وضعیتی که نشان‌دهنده ارتكاب جنایات تحت صلاحیت دیوان باشد به دادستان ارجاع نمایند. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز براساس بند (۲) ماده مزبور می‌تواند وضعیتی را که گویای ارتكاب جنایات تحت صلاحیت دیوان باشد، به این مرجع ارجاع دهد و سرانجام، دادستان دیوان رأساً می‌تواند در خصوص جرایم مزبور ارتكابی در کشورهای عضو شروع به تحقیق کند و مطابق ماده ۱۵ اساسنامه این وضعیت را به شعبه پیش محاکمه دیوان ارجاع نماید و اگر شعبه مزبور، وضعیت مزبور را تأیید نمود، دادستان می‌تواند تحقیقات خود را ادامه دهد.^۲

پرسشی که ممکن است مطرح باشد، این است که چه راهکارهایی برای ارجاع وضعیت عراق و سوریه به دیوان کیفری بین‌المللی وجود دارد؛ در حالی که این دو کشور عضو اساسنامه دیوان نیستند؟ شاید در نگاه اول به نظر برسد که تنها راه ممکن ارجاع وضعیت از طریق شورای امنیت به دیوان مطابق با بند (۲) ماده ۱۳ اساسنامه است. اگرچه ارجاع وضعیت کشورهای غیرعضو از طریق شورای امنیت، راهکاری زیرکانه و مناسب برای مبارزه با مرتکبان مهیب‌ترین جرایم بین‌المللی و مجازات آنها و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، با وجود این، ارجاع وضعیت از طریق شورای امنیت باید مطابق با فصل هفتم منشور باشد.^۳ بنابراین، در این موارد شورا نخست اینکه باید تهدید به صلح و نقض آن یا تجاوز را احراز نماید و دوم آنکه نباید هیچ‌یک از اعضای دائم شورای امنیت به قطعنامه‌ای رأی منفی دهد که ارجاع‌دهنده یک وضعیت به دیوان است. راهکار دیگری که برای کشورهای غیرعضو در اساسنامه دیوان تعبیه شده است، تسلیم اعلامیه‌ای به دیوان منطبق با بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه دیوان است. البته کشور صادرکننده اعلامیه مزبور باید بدون هیچ‌گونه شرط و تأخیری مطابق با بخش ۹ اساسنامه با دیوان همکاری نماید. فلسطین از جمله کشورهایی است که چنین اعلامیه‌ای را تسلیم دیوان نموده است.

محمود عباس رییس تشکیلات خودگردان فلسطین در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۴ این

1. Pre-Trial.

۲. باید اشاره کرد که مطابق بند ۵ ماده ۱۵، عدم تأیید شعبه پیش محاکمه مانع از ارجاع همان وضعیت از سوی دادستان با شواهد و مدارک جدید نیست.

۳. شورای امنیت تا اینک دو وضعیت را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع نموده است. نخستین بار شورا با قطعنامه ۱۵۹۳ در ۳۱ مارس ۲۰۰۵ وضعیت دارفور سودان را به دیوان ارجاع داد. همچنین، در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ که خیزش مردمی در خاورمیانه و آفریقا علیه حاکمان دیکتاتور، موجب آشوب و ناامنی در این مناطق شده بود، بسیاری از این دولت‌ها به سرکوب خیزش مردمی دست یازیدند و مرتکب جنایات عدیده‌ای شدند، از جمله این دولت‌ها، دولت لیبی بود. پیرو این تحولات، در ۲۶ فوریه ۲۰۱۱ شورای امنیت طبق قطعنامه ۱۹۷۰، وضعیت لیبی را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داد. دیوان در ۲۷ ژوئن ۲۰۱۱ علیه معمر قذافی به دلیل ارتكاب دو فقره جرایم علیه بشریت، اعلام جرم نمود.

سیدخلیل خلیلیان، دیوان بین‌المللی کیفری در یک نگاه و اساسنامه آن (تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲)، ۲۱.

اعلامیه را به منظور صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جرایم ادعایی ارتکاب‌یافته «در سرزمین فلسطین اشغالی، از جمله بیت‌المقدس شرقی از ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴» امضا و به دفتر دیوان تسلیم نمود.^۱ بنابراین، دولت‌های عراق و سوریه، نیز می‌توانند با صدور اعلامیه‌ای مطابق با بند ۳ ماده ۱۲ صلاحیت دیوان را بر جرایم ارتكابی مزبور بپذیرند.

نتیجه‌گیری

داعش یا همان دولت اسلامی شام و عراق که اینک خود را خلافت اسلامی نامیده است از جمله بازیگران غیردولتی است که از جنگ داخلی عراق و سوریه سر برافراشته است. داعش با گرد هم آوردن تروریست‌ها از نقاط مختلف جهان، گروه تروریستی ایجاد نموده که از آن باید با عنوان نظام ترور و وحشت یاد کرد. حکومتی که با اقدامات غیرانسانی‌اش، بشریت را آماج حملات وحشیگری‌های خود قرار داده و صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌نماید که هدف اصلی جامعه بین‌المللی است.

همان‌طور که در مبحث نخست مقاله حاضر شرح آن رفت، گروه دولت اسلامی شام و عراق موسوم به داعش به هیچ‌یک از قواعد حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه پای‌بندی نشان نداده و نمی‌دهد. این گروه با اعمال وحشیانه و سبوعانه خویش جنایاتی را رقم زده که در تاریخ بشریت کم سابقه بوده است. حمله گسترده و عامدانه به جمعیت‌های غیرنظامی، اعدام غیرانسانی سربازان و نظامیانی که تسلیم شده یا قادر به جنگ نبوده‌اند، جابه‌جایی اجباری، خشونت جنسی، تجاوز، بردگی و بسیاری از اقدامات دیگر، تنها بخشی از جنایاتی است که این گروه مرتکب شده است. جنایاتی که به واسطه ماهیت مهیب‌شان، از آنها به عنوان جنایات بین‌المللی یاد می‌شود.

ظهور و قدرت گرفتن گروه‌های تروریستی، صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر انداخته است. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز بارها با صدور قطعنامه‌هایی بر این واقعیت مهر تأیید زده که تروریست‌ها و اقدامات‌شان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شوند.^۲ ضرورت مبارزه با گروه‌ها و اقدامات تروریستی تعهداتی را بر دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی نظام بین‌المللی تحمیل می‌نماید. تعهد به خودداری از مداخله در اعمال

۱. برای دسترسی به اعلامیه فلسطین به وبسایت زیر رجوع نمایید:

«http://www.icc-cpi.int/iccdocs/PIDS/press/Palestine_A_12-3.pdf»

۲. در این خصوص، می‌توان به قطعنامه‌های شماره ۱۴۳۸، ۱۴۴۰، ۱۴۵۰، ۱۴۵۲، ۱۴۵۵، ۱۴۶۵، ۱۵۱۶، ۱۵۲۶، ۱۵۳۰، ۱۵۳۵، ۱۵۶۶، ۱۶۱۱، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۷۳۵، ۱۷۸۷، ۱۸۰۵، ۱۸۲۲، ۱۹۰۴، ۲۰۱۰، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹، ۲۰۸۲، ۲۰۸۳، ۲۱۲۹، ۲۱۳۳، ۲۱۶۰، ۲۱۶۱ اشاره نمود.

تروریستی، تعهد به جلوگیری از اقدامات تروریستی و سرکوب آن و تعهد به تعقیب و مجازات اشخاصی که در اعمال تروریستی دست دارند، از جمله مهم‌ترین تعهدات هستند که دولت‌ها در مبارزه با تروریسم ملزم به تبعیت از آن هستند. همچنین، اقتضای عدالت کیفری مستلزم این است که افرادی که در اعمال تروریستی مشارکت داشته‌اند یا مرتکب جرایم بین‌المللی شده‌اند، تحت تعقیب و مجازات قرار گیرند.

تعقیب و مجازات مجرمان بین‌المللی، نخستین بار در قالب دزدی دریایی تبلور یافت و دادگاه‌های ملی تمامی دولت‌ها توانستند با اتکا بر اصل صلاحیت جهانی، صلاحیت خود را بر این جرم تعمیم دهند. با گذر زمان و شناسایی برخی جرایم دیگر با عنوان جرایم بین‌المللی، صلاحیت دادگاه‌های ملی بر جرایم مزبور توسعه یافت، با وجود این، سران دولت‌ها به واسطه ترس از روزی که خود در مراجع ملی دادگاه‌های کشورهای دیگر تحت تعقیب قرار گیرند، میل و رغبتی به تعقیب و مجازات مجرمان بین‌المللی ندارند که اغلب دولتمردان هستند. تصویب اساسنامه روم در سال ۱۹۹۸ و متعاقباً لازم‌الاجرا شدن آن در ۲۰۰۲ به تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی انجامید که گامی مهم در جهت مبارزه با بی‌کیفرمانی در مبارزه با مجرمان بین‌المللی بود، ولی تشکیل این دیوان هم نتوانست پاسخگوی نیازهای جامعه جهانی در زمینه مبارزه با مجرمان بین‌المللی باشد. عدم پیوستن همه کشورهای جهان به این دیوان، عدم همکاری بین‌المللی دولت‌ها با دیوان، کمبود قضاات دیوان و در نتیجه طولانی شدن روند رسیدگی و همچنین عدم تخصیص بودجه کافی، این دیوان را با مشکلات عدیده‌ای مواجه نموده است.

بنابراین، باید اعتراف نمود که دست یافتن به صلح پایدار و جهانی امن جز از رهگذر همکاری بازیگران جامعه جهانی میسر نخواهد شد. همکاری در حل مسائل بین‌المللی، به ویژه مسائلی که ارتباط مستقیم به حقوق بنیادین بشر دارند، امروزه یکی از ضروریات بقای جامعه جهانی است ... واقعیت این است که جامعه جهانی که امروزه از آن سخن رانده می‌شود بسیار متفاوت از اجتماع دولت‌ها در دوران کلاسیک حقوق بین‌الملل است. در آن دوران، دولت‌ها در تلاش برای استقرار جایگاه خویش در نظام بین‌المللی می‌کوشیدند هر چند که گاهی نشانه‌هایی از همکاری دیده می‌شد، اما امروزه با جهانی‌سازی برخی از حوزه‌های حقوق بین‌الملل مانند حقوق بشر، جامعه جهانی در راستای یکپارچگی و همبستگی گام برمی‌دارد. از این‌رو، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در این نظام ناامن و ناآرام نه تنها باید مبتنی بر همکاری باشد، بلکه حتی در حل و فصل برخی مسائل بین‌المللی، مانند لزوم مبارزه و ریشه‌کنی گروه‌های

تروریستی همچون داعش که از جدال سیاست و حقوق در شورای امنیت بهره برده^۱ و نظام نوپای حقوق بین‌الملل را تهدید می‌نمایند، متضمن همبستگی بیشتر است.

منابع فارسی

۱. اردبیلی محمدعلی. «کشتار جمعی». مجله حقوقی ۱۱ (۱۳۶۸): ۳۳-۷۳.
۲. بیگزاده، ابراهیم. «بررسی جنایت نسل‌کشی و جنایات بر ضد بشریت». مجله تحقیقات حقوقی ۲۱ و ۲۲ (۱۳۷۶): ۶۹-۱۰۴.
۳. حدادی مهدی. «بررسی مشروعیت دادگاه خاص عراق (دادگاه عالی کیفری عراق). فصلنامه اندیشه‌های حقوقی یازدهم (۱۳۸۵): ۹۹-۱۲۸.
۴. خلیلیان سیدخلیل. دیوان بین‌المللی کیفری در یک نگاه و اساسنامه آن. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲.
۵. زمانی سیدقاسم و هاله حسینی اکبرنژاد. «اصل صلاحیت جهانی در آینه دیوان کیفری بین‌المللی». مجله پژوهش حقوق و سیاست ۲۶ (۱۳۸۸): ۲۰۳-۲۴۲.
۶. صادقی، میرمحمد. «اساسنامه محاکم یوگسلاوی سابق و رواندا در یک نگاه». ماهنامه دادرسی هفتم (۱۳۷۷): ۲۰-۲۱.
۷. عزیزی، ستار. «عناصر جنایت ژنوسید در رأی ۲۶ فوریه ۲۰۰۷ دیوان بین‌المللی دادگستری و رویه دادگاه‌های ویژه بین‌المللی کیفری». مجله حقوقی ۳۶ (۱۳۸۶): ۹-۳۵.
۸. گرهارد، ورله. «جنایات علیه بشریت در حقوق بین‌الملل معاصر». ترجمه امیرساعد وکیل. مجله حقوقی بین‌المللی ۳۹ (۱۳۸۷): ۵۹-۱۰۱.
۹. گلدستن، ریچارد. «ارزیابی کار دیوان‌های سازمان ملل متحد برای رسیدگی به جرایم جنگی در یوگسلاوی سابق و رواندا». ترجمه رضا پاکدامن. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۵۳ و ۱۵۴ (۱۳۷۹): ۱۳۸-۱۴۵.
۱۰. مجتهدزاده پیروز، احمدی‌پور، زهرا و طهمورث حیدری موصول. «تبیین ادعاهای امارات متحده عربی نسبت به جزایر سه‌گانه ایرانی از سال ۱۹۹۲ میلادی». فصلنامه ژئوپلیتیک اول (۱۳۹۱): ۴۲-۸۱.
۱۱. میری، حمید و همایون مافی. «بررسی نقش دادگاه‌های داخلی کشور رواندا در محاکمه جنایتکاران نسل‌کشی ۱۹۹۴». مجله حقوق خصوصی پانزدهم (۱۳۸۸): ۱۶۱-۱۹۱.

۱. چین و روسیه به عنوان دو دوست سنتی و شریک تجاری سوریه، تا اینک چند بار پیش‌نویس قطعنامه‌های شورای امنیت برای حمایت از مردم در پرتو مسؤلیت حمایت را وتو نموده‌اند. برای اطلاعات بیشتر نک: Simon Adams, "Libya and Responsibility to Protect", *Global Centre for the Responsibility to Protect* 3 (2012), 5.
<http://www.cbsnews.com/news/syria-resolution-authorizing-military-force-fails-in-un-security-council/>.
<http://www.france24.com/en/20140522-russia-china-veto-un-resolution-sending-syria-crisis-international-criminal-court>

منابع خارجی

- English books

1. Anthony, Aust, *Handbook of International Law*, Cambridge, 2010.
2. Christopher, K, Lamont, *International Criminal Justice and the Politics of Compliance*, Farnham, Ashgate Publishing Limited, 2010.
3. Malcolm. N, Shaw, *International law*, 6ed, Cambridge university press, 2011.
4. Larry, Siegel. J and John L. Worrall, *Introduction to Criminal Justice*, Thirteenth Edition, Belmont, Wadsworth, 2012.

- English Articles

1. Adams, Simon, "Libya and Responsibility to Protect", Global Centre for the Responsibility to Protect 3, November (2012).
2. Amitis, Khojasteh, "Qestions & Answers on the ICC and Universal Jurisdiction," the American Non-Governmental Organizations Coalition for the International Criminal Court, 28 June 2007.
3. Laura. A, Dickinson, "The Relationship between Hybrid Courts and International Courts: The Case of Kosovo", *New England Law Review* 37 (2003): 1059- 1072.
4. Mia, Swart, *Judicial Lawmaking at the ad hoc Tribunals: The Creative Use of the Sources of International Law and "Adventurous Interpretation"*, *ZaöRV* 70 (2010): 459- 486.
5. Scharf Michae. P and Margaux Day, "The ad hoc International Criminal Tribunals Launching a new era of accountability", *Handbook of International Criminal Law*, New York, Routledge (2011): 51-67.
6. Scheffer, David, "The International Criminal Court", *Handbook of International Criminal Law*, New York, Routledge (2011): 67-85.

- Reports

1. A/HRC/27/60, "Report of the independent international commission of inquiry on the Syrian Arab Republic", 13 August 2014.
2. Amnesty International, "Ethnic Cleansing on a Historic Scale: Islamic State's Systematic in Northern Iraq", London, 2014.
3. Amnesty International, "Rule of Fear: ISIS Abuses in Detention in Northern Syria", 19 December 2013.
4. "Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Syrian Arab Republic," *Rule of Terror: Living under ISIS in Syria*, 14 November 2014.

5. "Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Syrian Arab Republic," Rule of Terror: Living under ISIS in Syria, 14 November 2014.
6. Start Fact Sheet, "the evolution of the Islamic State of Iraq and the Levant (ISIL): Relationships 2004-2014," June 2014.
7. UN Assistant Secretary-General for Human Rights, "Tragedy of even greater proportions in Iraq should be urgently prevented", 20 October 2014.
8. UN High Commissioner for Human Rights, "Pillay condemns series of "cold-blooded" executions in Iraq", Geneva (16 June 2014).
9. United Nations Assistance Mission for Iraq (UNAMI) and the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, "Report on the Protection of Civilians in Armed Conflict in Iraq: 6 July – 10 September 2014", summery I.

- Documents

1. Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), ICJ Report 2002 (14 February 2002).
2. Rome Statute of the International Criminal Court.
3. Second Additional Protocol of the Geneva Conventions of 12 August 1949
4. Separate Opinion of Judge Koroma on Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium).
5. UN Doc, S/RES/955 (1994), 8 November 1994.
6. UN DOC, S/RES/2170.
7. UNHCR, UNHCR Position on Returns to Iraq, October 2014.

ISIS's International Criminal Inlight of Criminal Justice

Armin Talaat

Abstract:

ISIS has committed many crimes in Syria and Iraq. Some of human rights commissions and entities have stated that the terrorist group (ISIS) with inhuman and heinous acts including murder, extermination, slavery, deportation or forcible transfer, torture, grave breaches of the Geneva Conventions and other rules of international humanitarian law, and destroy all or part of a national, ethnical, racial or religious group, has committed crimes against humanity, war crimes and genocide. This crime is a clear example of international crimes. The fight against the perpetrators and instigators of such crimes entails criminal justice, which aims to prosecute and punish the perpetrators. With regard to international crimes committed by ISIS, national and international courts are competent to hearing (On the one side, national's court on the basis of universal jurisdiction principle can prosecute and punish the perpetrators, on the other side, under some of conditions, international criminal court could exercise its jurisdiction on the crimes). Hence, this paper firstly describes the crimes committed by ISIS, and then deal with the capacity of the international justice system to combat the terrorist group.

Key Words:

Crimes against Humanity, War Crimes and Genocide, Criminal Justice, National Courts, International Criminal Court.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XIV, No. 2

2015-2

- Independence or lack of independence mosque: Study on draft of “support of management, construction, equipping and renovation of mosques and prayer rooms in the country”
Babak Darvishi- Keyvan Sedaghati
- Indigenous and Local Communities under International Wildlife Protection Law
Janet Elizabeth Blake - Fatemeh Rezaipour
- A Comparative Analysis of Civil Liability of Caretaker over the Actions of Persons in Need of Care in the Iranian and English Law
Alireza Yazdanian - Elnaz Ghodsi
- Legitimacy of Amnesties in International Law
Mahin Sobhani
- ISIS’s International Crimes in the light of Criminal Justice
Armin Talaat
- Treaties over time in jurisprudence: Evaluation of the Judgment of the International Court of Justice in the Case Concerning the Dispute Regarding Navigational and Related Rights
Farzaneh Seifzadeh
- Criteria for Limiting Human Rights and Liberties
Yalda Khosravi
- The Role of the Union of South American Nations in the Maintenance of International and Regional Peace and Security
Alireza Ranjbar
- Name and trademark: the process of registration and related rights
Eisa Rajabi
- La victime en Espagne: acteur privilégié du procès pénal
Mohammad Ali Mahdavi Sabet - Ehsan Abbaszadeh



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study